

(د) آیه شریفه:

مرحوم مامقانی می نویسد:

«الثانی ما دلّ من الكتاب و السنة على تحريمه مثل قوله (تعالى) حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ (انتهی) بضمیمه قوله (عليه السلام) ان الله إذا حرّم شيئاً حرم ثمنه و ان شئت قررت هذا الدليل بوجه آخر بأن تقول انه غير منتفع به حيث نهى الشارع عن المنفعة التي من شأنها ان ترتب عليه و هو الأكل لكونه من جنس ما من شأنه الأكل فلا عبرة بالانتفاع به في مثل الصبغ مثلاً لو جوزناه و كذا الانتفاع به في مثل التسميد فتكون المعاملة سفهية و المعاملة السفهية باطلة و يترتب عليه حرمة التصرف في عوضه و كون الاقدام على المعاملة (حينئذ) يتصف بالحرمة التشريعية و ان شئت قررته بوجه ثالث بان تقول ان الدم غير مملوك باتفاق علمائنا بل هو من قبيل ما ليس بمتمول عرفاً و لهذا لا يضمنه من أتلّفه و قد اشترط في صحة البيع كون المبيع مملوكاً فيبطل البيع عند انتفاع مملوكيته و يترتب عليه الحرمة التشريعية.»^۱

توضیح:

۱. سه تقرير در استدلال قابل فرض است.
 ۲. تقرير اول: آیه می فرماید «دم حرام است» و روایت نبوی می گوید «هرچه را خدا حرام کرده، بيع آن هم حرام است»، پس بيع دم حرام است.
 ۳. تقرير دوم: آیه می گوید انتفاع از دم حرام است و مراد انتفاع هايی است که دم شأنيت آن را دارد و اين انتفاع هم اکل است (و لذا انتفاع هايی مثل کود بودن و رنگریزی نمی تواند شيء را دارای مالیت کند) پس دم به خاطر عدم منفعت، مالیت ندارد و بيع آن بيع سفهی است.
 ۴. تقرير سوم: دم به اتفاق علما، مملوک نیست و لذا اگر کسی آن را تلف کرد ضامن نیست و در صحت بيع شرط است که مبيع مملوک باشد.
- ما می گوییم:



(۱) بحث ما در حرمت معامله است و نه صحت آن و لذا دو تقریر آخر، به کار این بحث نمی آید و تقریر اول هم با توجه به ضعف روایت نبوی قابل احتجاج نیست.

(۲) آنچه با توجه به آیه قبل در این آیه آمده است، حرمت اکل است چراکه آیه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (*) إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۱ و لذاست که سگ در آیه ذکر نشده است چراکه خوردن سگ در میان اعراب جاهلی متعارف نبوده است.

و الشاهد علی ذلک آیه شریفه سوره انعام که می فرماید: «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۲ در حالیکه روشن است دم مسفوح مربوط به اکل است.

(۳) پس اگر منفعت عقلایی دیگری یافت شد، دم دارای مالیت شده و بیع آن جایز است.

۱. بقره، ۱۷۲ و ۱۷۳

۲. انعام، ۱۴۵